


داستان کوتاه

 موشی در خانه صاحب مزرعه تله موش دید. به مرغ و گوسفند و گاو خبر داد. همه گفتند: تله موش مشکل توست به ما ربطی ندارد. ماری در تله افتاد و زن مزرعه دار را گزید از مرغ برایش سوپ درست کردند. گوسفند را برای عیادت کنندگان سر بریدند. گاو را برای مراسم ترحیم کشتند و در این مدت موش از سوراخ دیوار نگاه میکرد و به مشکلی که به دیگران ربط نداشت فکر میکرد!

کلیده و دمنه 